

تبریز در جریان نهضت ملی ایران

چکیده

در تاریخ معاصر پس از انقلاب مشروطه، نهضت ملی نفت از جمله مهمترین حوادث و رخ دادهای تاریخی ایران است که در اوایل دهه 30 اتفاق افتاد. اگر چه نفت و مسائل مربوط به آن کانون توجه این نهضت و حرکت ملی بسیار مهم است، لیکن به جهت رهبری عالی نهضت در قامت دکتر محمد مصدق، این حرکت ملی در سطوح مختلف سیاسی اجتماعی از یکسو و فارغ از فرازو نشیبهای دوره پنج ساله، همراهی آیت الله کاشانی از سوی دیگر، تأثیراتی بسنده در کلیه جهات و شئون مملکت برجای گذاشت.

به لحاظ عمق و گستردگی دامنه این حرکت ملی علاوه بر تهران شهرهای بزرگ ایران به سهم خود ایفای نقش نموده اند. آذربایجان که در تاریخ حیات ایران و تحکیم هویت پر حوادث آن جایگاهی بس رفیع دارد، در جریان نهضت ملی نقش مهم و موثری را ایفا نمود، تبریز بعنوان مرکز آذربایجان همچون همیشه گامی فراتر پیش نهاده است.

این مقاله فعالیتها و فضای سیاسی تبریز در حمایت از نهضت ملی نفت را مورد بررسی قرار داده است.

کلید واژه‌ها: نهضت ملی، نفت، مصدق، کاشانی، تبریز، انگجی.

مقدمه

در جریان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، آذربایجان به لحاظ هم مرزی با کشور شوروی سوسیالیستی، صحنهٔ تنازعات و حوادث فراوان گردید. پس از قطع پشتیبانی روسها از یکسو و عدم استقبال مردم از سوی دیگر، حکومت یکساله فرقه دمکرات آذربایجان، به رهبری سید جعفر پیشه‌وری سقوط کرد. فارغ از چگونگی و دستاوردهای حاکمیت یکساله فرقه، تبعات بعدی آن اثرات و لطمات جبران‌ناپذیری را از ناحیه رژیم پهلوی بر پیکر آذربایجان وارد آورد.

مهاجرت ناخواسته ملاکین و صاحبان سرمایه و برخی اندیشمندان در سایه سیاستهای و اقدامات فرقه دمکرات و حضور بخشی از کارگران و زارعین روستایی در صف فدائیان فرقه و تعطیل شدن مزارع و فعالیتهای کشاورزی از یکسو و اعمال مالیاتهای سنگین و اخذ آن جهت معاش و هزینه‌های قشون و امور اداری فرقه از سوی دیگر، زمینه‌های ضعف و فروپاشی نظام تولید را در آذربایجان فراهم آورد.

رژیم پهلوی که فاتحانه وارد آذربایجان شده بود سالها پس از آن واقعه، رفتار فاتحان را در پیش گرفت. اگرچه تبلیغات و ظاهر سازیهای مصنوعی با مکنونات قلبی رژیم تفاوت داشت، بهر صورت توسعه آذربایجان از همه سو با حوادث و مسائل مختلف سیاسی بالاخص مسئله فرقه دمکرات گره خورد و بدین سان آهنگ توسعه آذربایجان روز به روز آهسته‌تر و کندتر گردید. که اثرات مخرب آن سیاست در دهه‌های بعد نیز خود را نشان داد.

بی شک موقعیت سیاسی اجتماعی بعد از رخدادهای سهمگین مانند اشغال چند ساله توسط روسها و مسائل و تبعات حاکمیت یکساله فرقه دمکرات و آنگاه، سقوط آنان و ورود فاتحانه قشون خودی و کشتار و اعدام و سوء استفاده‌ها و تحرکات اراذل و اوباش برای اخاذی و نا امنی‌های گسترده حاصل از مجموعه حوادث و وقایع، پیامدهای روانی و افسردگی عمومی را بدنبال داشت. این خمودی و کسالت به این زودی قابل ترمیم نبوده و ادامه داشت، تا اینکه جریان نهضت ملی نفت پیش آمد.

مبارزه برای استقلال تحت عنوان ملی کردن نفت از سال 1320 آغازو با تصویب قانون ملی شدن نفت در اسفند 1329 صفحات درخشانی را در تاریخ معاصر ایران به ثبت رسانید.

با گسترش مبارزات نهضت ملی در مرکز قانون گذاری کشور و مواضع و تحولات در دولت و مجلس و احزاب و رسانه ها، فعالیتها در آذربایجان نیز با مرکزیت تبریز تشدید گردید.

پس از پی آمدهای ناشی از مسایل و وقایع آذربایجان در جریان فرقه دمکرات این بار اهالی آذربایجان با اطلاع و آگاهی بیشتر از اهداف بیگانگان، تمایل جدی به حرکت ملی پیش آمده نشان دادند. با عمق یافتن جریان نهضت ملی در مرکز کشور، فعالیت‌های دستجات و گروه‌های سیاسی و مذهبی نیز در آذربایجان^۱ بویژه تبریز قوت و قدرت چشمگیری می‌یابد.

در این پژوهش نقش و فضای سیاسی آذربایجان و تبریز در جریان نهضت ملی با استناد به اسناد و اخبار روزنامه ها و مصاحبه ها و منابع مختلف بررسی گردیده است.

دستجات و گروههای تبریز

الف - طرفداران ملی شدن صنعت نفت شامل شخصیت‌های مذهبی و نیروهای سیاسی

ب- حامیان دربار شامل رؤسا و مقامات استان^۲

ج- طرفداران حزب توده و بقایای فرقه دمکرات

در نهضت ملی شدن صنعت نفت علاوه بر دستجات مذکور قشرهای مختلف مردم بالاخص بازاریان، اساتید دانشگاه و دانش آموزان مدارس از این حرکت ملی حمایت میکردند.

روزنامه مهد آزادی می‌نویسد: دانش آموزان دبیرستان فردوسی تبریز در حمایت از نهضت ملی نفت در داخل مدرسه دست به تظاهرات زدند که با هماهنگی مقامات محل «از ابراز احساسات دانش آموزان در باره ملی کردن صنعت نفت ممانعت میشود.»^۳

حزب توده در این زمان بعنوان حزبی قدرتمند و متشکل و دارای سازمانی منضبط، منسجم و شبکه ای وسیع بود و نفوذ قابل توجهی در میان افسار دانشجویان و سند یکاهای کارگری داشت.

«سازمان دانشجویان دانشگاه تبریز طرفدار سیاست‌های کلی حزب توده و مخالف ملی شدن نفت

«در مقابل دانشجویانی نیز طرفدار ملی شدن نفت بودند و به مجلس شورای ملی، فراکسیون وطن تلگراف زدند و از ملی شدن نفت اعلام حمایت نمودند.»^۵

متن تلگراف به شرح زیر است:

«تهران_مجلس شورای ملی فراکسیون وطن _ به این وسیله امضاء کنندگان زیر، دانشجویان دانشگاه، هماهنگی خود را دایر به ملی کردن صنعت نفت اعلام و موفقیت نمایندگان با شهامت را در انجام این مسأله حیاتی خواهانیم.»^۶

تلگراف فوق به امضای 150 نفر از دانشجویان دانشکده پزشکی و ادبیات تبریز مخابره شده است.

«با اوج گیری مبارزات نهضت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز با جمع آوری امضاء در دیماه 1330 به حمایت از ملی شدن صنعت نفت پرداختند.»^۷

جبهه ملی در تبریز

با پیگیری مبارزات ملی جهت قطع نفوذ بیگانگان و احقاق حقوق ملت ایران برای ملی شدن صنعت نفت شعبه جبهه ملی در تبریز تأسیس و آغاز بکار مینماید. منوچهر ملک قاسمی از دانشجویان وقت دانشگاه تبریز در مصاحبه با روزنامه مه‌آزادی میگوید:

«روزی در تبریز اعلام شد مرحوم آیت اله حاج میرزا محمد علی انگجی در معیت عده ای از بزرگان بازارو اساتید اقدام به تأسیس شعبه جبهه ملی در تبریز کرده است. این مسئله حقیقت داشت و تعدادی کثیری به هواداری از مرحوم دکتر مصدق و قطع نفوذ بیگانگان و استیفای حقوق از شرکت نفت به آن پیوسته بودند.»^۸

رجال مؤسس جبهه در تبریز: آقایان: آیت الله انگجی، علی اصغر مدرس، حاج رسول کمپانی، آصف زاده، حاج ابراهیم ابوالفتحی، علی ابوالفتحی، سید محسن خلخالی، حاج میرزا علی اکبرشعار، دکتر حبیب داوران، حاج میرزا علی اکبر صحت با عده دیگری بودند. آنها مردم را به اتحاد و تشکل و حمایت از نهضت ملی کردن نفت و حمایت از دولت ملی مصدق دعوت می نمودند.

مردم تبریز گام به گام جریان نهضت ملی را تعقیب مینمایند، نمونه ای از تلگراف حمایت از قراردادالحاقی مندرج در روز نامه مهد آزادی:

«تهران _ توسط آقای دکتر مصدق، اعضای محترم کمیسیون نفت وحدت نظر و اتفاق رأی اعضای محترم کمیسیون نفت را در قرارداد الحاقی مایه امید واری و مسرت بوده وموقیقت‌های شایان نمایندگان حقیقی را در تعقیب این پیروزی برای انجام مقاصد ملی آروزمندیم»^۹

مداخله و حمایت برخی از علمای آذربایجان در نهضت ملی و مراجع بزرگ شیعه در جریان نهضت ملی شدن نفت حمایت‌های تعدادی از روحانیون بنام آذربایجان رانیز برانگیخت. آیت اله کاظم طباطبایی از جمله علمای بزرگ آذربایجان حمایت و پشتیبانی از آیت اله کاشانی و دکتر مصدق را واجب میدانند.

«به عموم برادران دینی لازم و واجب است در پشتیبانی حضرت آیت اله کاشانی و جناب آقای محمّد مصدق که مجری امیال قاطبه ملت ایران هستند کوشا بوده و به مبارزات خود شان ادامه دهند تا به فضل الهی در ظلّ عنایت حضرت ولی عصر ایران دارالاسلام از شرکفار محفوظ و محروس بماند.»^{۱۰}

«در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی ده تن از نمایندگان منتخب مجلس از علما هستند که 3تن از آنها نماینده تبریز بودند»^{۱۱}

«در آذربایجان هم علمای بزرگ به حمایت از نهضت ملی کردن صنعت نفت به پاخاستند. به عنوان مثال آیت اله سید حسن الهی طباطبایی برادر علامه طباطبایی و آیت اله سید مرتضی شبستری از این جمله بودند»^{۱۲}

تظاهرات و حمایت‌های ملی و مردمی در تبریز ازملی شدن صنعت نفت ادامه دارد. 21تیر 1330تظاهرات در تبریز برگزار می‌شود.

«21تیر ماه متینگ دیگری در حمایت از نفت و علیه شرکت سابق نفت در تبریز برگزار گردید که با استقبال مردم روبه رو گردید ومیدان‌های عمومی و خیابانهای شهر مملو از جمعیت بود»^{۱۳}

جبهه ملی شاخه آذربایجان از دکتر محمد مصدق با تلگراف حمایت میکند. «جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران جبهه ملی آذربایجان پشتیبانی خلل ناپذیر خود را از اقدام وطنخواهانه جنابعالی در استیفای حقوق غارت شده ملت ایران از شرکت سابق نفت ابراز داشته و توفیق جنابعالی را در نیل به اجرای مواد نه گانه مصوبه مجلسین خواستار و جانبازی و فداکاری را در صورت لزوم معروض میدارد»^{۱۴}

با ادامه تظاهرات و حمایت‌های مردمی از نهضت ملی، آیت اله کاشانی در نامه ای به مدیر روزنامه مهد آزادی مرحوم سید اسماعیل پیمان مینویسد:

«احساسات عالیه و خداپسندانه شما که حاکی از بقای روح ایمان و وطن دوستی میباشد موجب کمال امتنان است. این قبیل احساسات افراد شریف ایران است که خدمتگزاران مملکت رابه خدمتگزاری تشویق مینماید امید است که مجاهدات صمیمانه و مستمر برادران دینی و ایرانی به خصوص برادران عزیز ایرانی و آذربایجانی دست اجانب از این کشور کوتاه و به زودی صبح سعادت طالع خواهد شد».

سید ابوالقاسم کاشانی^{۱۵}

هجدهم شهریور 1330 بازاربان تبریز بباستن مغازه‌های خود با سر دادن شعارهای زنده باد مصدق، زنده باد کاشانی ضمن تحصن در اداره پست و تلگراف، تلگراف زیر رابه تهران مخابره میکنند:

«.....1. تقویت و پشتیبانی کامل آذربایجان از رهبران محبوب ایران، آیت اله کاشانی و دکتر مصدق 2. اظهار تنفر و انزجار نسبت به عوامل مزدور. ... 3. از کلیه نمایندگان آذربایجان تقاضا میشود به پیروی از افکار عمومی پشتیبانی کامل خود را از اقدامات دولت ملی و خواسته‌های آذربایجان را به مجلس شورا و سنا منعکس کنند.»^{۱۶}

پاسخ دکتر محمد مصدق به متحصنین تبریز در تاریخ 1330/6/27.

«آقایان محترم متخصصین از احساسات گرانبه‌های هموطنان عزیز که در تقویت و تأیید اقدامات دولت ابراز می‌شود کمال تشکر و امتنان را دارم عدم اکثر کافی برای رأی موجب آن نخواهد شد که دولت تصمیمی که به خیر و صلاح مملکت اتخاذ نمود ه به موقع اجرا نگذارد خواهش‌مندم آقایان

محترم به خانه‌های خود تشریف ببرند و بدانند همین عواطف پاک و احساسات مقدس موجب سربلندی و افتخار جامعه ایران است.»^{۱۷}

علاوه بر تبریز سایر شهرهای آذربایجان نیز شاهد حمایت مردم از نهضت ملی شدن نفت میباشند از شهربانی جلفا گزارشی بدین شرح به تبریز مخابره شده است:

«شهربانی تبریز محترماً معروض می‌دارد دیروز از صبح عموم کسبه بازار علمدار و حومه تعطیل و عده کثیری در بازار تجمع مهیج دایر به پشتیبانی از دولت جناب آقای دکتر مصدق و منویات ایشان دارد در ساعت 11 با دعا گویی ذات شاهانه خاتمه پذیرفت.»^{۱۸}

انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی

دکتر محمد مصدق، نخست وزیر، جهت جلوگیری از دخالت‌های دربار و اشراف در روند انتخابات در صدد اصلاح قانون انتخابات بود، بلحاظ حساسیت و اهمیت مسئله نفت او ناچار با قانون قبلی انتخابات را برگزار نمود.

به جهت باسوادی و حساسیت اکثریت مردم در شهرهای بزرگ جبهه ملی از وضعیت خوبی برخوردار بود این در حالی بود که طرفداران دربار در حوزه‌های کوچک انتخابیه با مداخلات خود به نفع طرفداران شاه و دربار اقدام میکردند.

در مجلس هفدهم جناح‌های سیاسی زیر فعالیت داشتند:

1. طرفداران مصدق
2. طرفداران آیت اله کاشانی
3. طرفداران دربار
4. نمایندگان بی طرف

اگر چه در نهایت فراکسیون جبهه ملی و فراکسیون سلطنت طلبان در مصاف یکدیگر بودند.

«آیت اله کاشانی با اعزام حجه السلام فضل اله محلاتی به تبریز مردم را به شرکت در انتخابات

دعوت می‌نمود.»^{۱۹}

روزنامه آذربادگان شماره 127 به تاریخ 1330/10/11 تعداد کاندیداهای تبریز را 59 نفر اعلام کرد که برای راهیابی 9 نفر به مجلس هفدهم مبارزه مینمایند.

فضای انتخابات به دلیل اهمیت مسئله نفت پرشور و پر تحرک بود و نیروهای مذهبی با جدیت وارد میدان شده اند. نمایندگان دوره هفدهم مجلس شورای ملی از آذربایجان عبارتند از:

1. اهر : علی اکبر امامی اهری
2. تبریز: سید محمد علی انگجی، سید جواد خلخال، سید مرتضی شبستری، جواد گنجه، عبدالحسین مجتهدی، علی اصغر مدرس، دکتر ابوالحسن ملکی، سید ابراهیم میلانی، احمد بهادری
3. خوی، ماکو، سلماس : پارسا (اصغرزاده)
4. خلخال: ذکائی
5. رضائیه : افشار صادقی
6. سراب، گرمرو، میانه: فاخر
7. مراغه: فتحعلی افشار، احمد حمیدیه
8. مشکین شهر، خیاو: میر اشرافی
9. مهاباد، ساوجبلاغ، مکری: دکتر حسن امامی (امام جمعه تهران)

از 9 نفر نمایندگان منتخب مردم تبریز 6 نفر نمایندگان و طرفداران جبهه ملی بودند آیت اله محمد علی انگجی، دکتر ابوالحسن ملکی، آیت اله سید ابراهیم میلانی، سید جواد خلخال، آیت اله سید مرتضی شبستری، علی اصغر مدرس.

فراکسیون جبهه ملی تا قبل از قیام 30 تیر 1331 سی نفر بود اما بعد از جریان 30 تیر به هواداران دکتر مصدق و جبهه ملی افزوده شد و فراکسیون «نهیضت ملی» تشکیل گردید.

در این زمان آقایان انگجی، خلخال، شبستری، میلانی و مدرس از اعضای فعال نهضت ملی بودند و اصغر پارسا نماینده خوی، ماکو و سلماس نیز سخنگوی فراکسیون نهضت ملی بود.

«وکلاهی آذربایجان جزو اولین نمایندگانی بودند که به دیدار آیت اله کاشانی و دکتر مصدق رفتند و حمایت خود را از نهضت ملی اعلام کردند.»^{۲۰}

با تشکیل دولت ملی دکتر مصدق، آیت اله میلانی احدی از نمایندگان تبریز طی یادداشت تبریکی اعلام میدارد:

«به وسیله روزنامه مهد آزادی، رونوشت رادیو تبریز، رونوشت بازار، آقای میرزا زین العابدین میلانی

اهالی محترم تبریز، جلسه خصوصی تشکیل و به زمامداری جناب آقای دکتر مصدق به اتفاق آراء تمایل داده شده بدین وسیله موفقیت ملت ایران رادر مبارزه با استعمار تبریک می‌گوییم چون مکالمه حضوری ممکن نشد بدین وسیله تبریکات صمیمانه را تقدیم می‌دارم.

میلانی «^{۲۱}»

قیام 30 تیر و مردم تبریز

با رد اعتبار نامه اعضای جبهه ملی در مجلس شورا ملی از سوی مخالفین، در 25 تیر 1331 دکتر مصدق از سمت نخست وزیری استعفا میدهد.

با استعفای مصدق اکثریت نمایندگان فراکسیون نهضت ملی استعفا دادند یادآوری مینماید، نمایندگان عضو جبهه ملی تبریز پس از عزل مصدق توسط شاه و نصب احمد قوام جزو نخستین تشکیل دهندگان نهضت ملی بودند.

«چون با کمال تاسف چنانچه سابقاً هم اعلام شد وضع کنونی مجلس مساعد برای ادامه وظیفه نمایندگی نیست ناگزیر مامضا کنندگان ذیل، فراکسیون نهضت ملی بدینوسیله استعفای خود را از نمایندگی دوره هفدهم مجلس شورای ملی تقدیم می‌داریم.

اخگر، اقبال، انگجی، پارسا، جلالی، دادور، ذکائی، مهندس رضوی، ریگی، مهندس زیرک زاده، دکتر سنجابی، شاپوری، دکتر شایگان، شبستری، شهیدی، دکتر ملکی، میلانی، موسوی.»^{۲۲}

فضای حاکم بر آذربایجان بویژه تبریز فضای حمایت از نهضت ملی و پیگیری گام به گام اخبار و وقایع دولت و مجلس و کشور است.

مردم تبریز با انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی که اکثریت آنان در ترکیب جبهه ملی و از طرفداران جدی دکتر مصدق و نهضت ملی بودند. مطالبات خود را که مطالبات ملی، همانا حمایت از اهداف نهضت ملی است پیگیری می‌نمایند.

سید جواد خلخالی نماینده تبریز در مجلس هفدهم در بیانات قبل از دستور نشست 24 روز 16 مرداد 1331 که حاکی از فشار و پیگیری افکار عمومی است می‌گوید:

«و اگر چنانچه تعطیلات تابستانی نزدیک نمی‌شد و نمی‌ترسیدم از اینکه ممکن است صحبت نتوانم بکنم مصدق نمی‌شدم و مخصوصاً بعلت تلگرافات و نامه‌هایی که از تبریز می‌رسید که شما چرا صحبت نکردید.»^{۲۳}

با اعلام خبر عزل دکتر مصدق از سوی شاه و تعیین احمد قوام بعنوان نخست وزیر در 25 تیرماه تظاهرات اعتراض عمومی سراسر کشور بویژه شهرهای بزرگ را فرا می‌گیرد. اعلامیه شدیدالحن آیت اله کاشانی بر علیه قوام که او را دشمن دین و آزادی و استقلال ملی می‌خواند مردم را به حرکت و اعتراض عمومی وامیدارد.

«تبریز _ به موجب تلگراف مخبرما در تبریز استعفای مصدق محشری بر پا کرده است جوان‌های آذربایجانی چنان به هیجان آمده‌اند که تسکین آنها غیر مقدور است همگی تصمیم گرفته‌اند عازم تهران شوند، بازار تعطیل کرده و مردم برای مخابره با نمایندگان تبریز در تلگرافخانه جمع شده‌اند. اهالی از وکلاء خواستند که تسلیم این توطئه مزورانه نشوند، مراکز احزاب و دستجات ملی مملو از جمعیت است»^{۲۴}

اعتراضات مردمی و حمایت‌های آیت اله کاشانی از دکتر مصدق سرانجام در 30 تیر منجر به عقب نشینی رژیم و سقوط نخست وزیر چند روزه، احمد قوام گردید با نخست وزیری مجدد دکتر مصدق شور شعف همه جای ایران را فرا گرفت روز نامه مهد آزادی که از جراید فعال در جریان نهضت ملی شدن نفت است و در تبریز منتشر می‌شود می‌نویسد:

«.....اقدام شجاعانه دانشجویان در نشر نخستین بیانیه و ابراز تنفر از حکومت سیاسی قوام السلطنه با وجود تعطیلی بیشتر کلاسهای درس دانشکده و عزیمت دانشجویان به شهرستانها قابل هر گونه

تحسین بود. چشم آذربایجان به جوانان مبارز دانشگاه دوخته شده و جادارد فرزندان تحصیل کرده ما برای نجات آذربایجان همواره نقش رهبری را عهده‌داره شوند»^{۲۵}

مرحوم دکتر اسماعیل رفیعیان از مبارزان دوران نهضت ملی می‌نویسد:

«واقعۀ سی تیر. ... انگلستان و امریکا و هر دولت زورگو و متجاوز می‌راکه چشم طمع به منابع زر خیز کشور ما دوخته اند برای همیشه ناامید و مأیوس ساخت.»^{۲۶}

سید جوادخلخالی (نماینده تبریز) یکی از همکاران کاشانی اظهار کرد که «از زمان انقلاب مشروطه درباره اصلاحات اجتماعی بسیار سخن گفته و اما کم عمل شده است. سرانجام مردم سخنگویی راستین به نام دکتر مصدق یافته اند که قادر به انجام اصلاحات، ریشه کن کردن فساد و کاستن از شکاف گسترده بین فقیر و غنی است.»^{۲۷}

علی مدرس (نماینده تبریز)، دست پرورده‌شایگان هشدار داد که کشمکش طبقاتی ملت را به خطر افکنده است:

«علت اصلی بد بختی کشور ما وجود دو طبقه مشخص است. یکی انگل اجتماعی است که در عیاشی، فساد و تبذیر سر می‌کند و دیگری طبقه ای است دستخوش گرسنگی، ستم و استثمار، اگر این وضع وخیم را درمان نکنیم لاجرم تاریخ گریبان مان را خواهد گرفت و کشور ما را نابود خواهد کرد. تاریخ به ما می‌آموزد که سرکوب، استثمار و بید ادگری دولت‌ها، ملت‌ها و امپراتوری‌ها را نابود می‌کند»^{۲۸}

در جریان لایحه درخواست تمدید اختیارات از سوی مصدق و تحصن نمایندگان مجلس از جمله آقایان انگجی، میلانی، خلخالی. (نمایندگان تبریز)، مردم تبریز کماکان با حضور در صحنه از دولت دکتر محمد مصدق حمایت می‌نمایند.

«برای ابراز پشتیبانی از دولت آقای دکتر مصدق، صبح سه شنبه 23 دیماه 1331 بازار و دکانین تعطیل گردید و نمایندگان طبقات مختلف شهر در تلگرافخانه گرد هم آمده و خواسته‌های خود را به نمایندگان آذربایجان در مجلس مخابره کردند.»^{۲۹}

در اولین سالگرد شهدای قیام 30 تیر، سید محمد علی انگجی نماینده تبریز در میدان بهارستان در سخنرانی خود می‌گوید:

«افراد... تحت تاثیر تبلیغات سوءنروند وبه رهبری جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر ملی مبارزه خود را تحت توجهات خداوند متعال ادامه داده و تا به نتیجه نهایی برسد و توجه داشته باشند که قدرت ملت ما فوق قدرتهاست»^{۳۰}

فضای حمایت از دکتر مصدق در تبریز همچنان ادامه می‌یابد تا اینکه در یکشنبه دهم آذر ماه 1330 نمایندگان جبهه آذربایجان طی دیداری با دکتر محمد مصدق حمایت و تبریکات مردم آذربایجان از سفر موفقیت آمیز دکتر مصدق به اروپا و دفاع از حقوق ملت ایران در دیوان لاهه را به ایشان ابراز می‌دارند

روزنامه مهد آزادی می‌نویسد: «آقای حاج ابراهیم ابوالفتحی با ایراد سخنرانی پیام‌های تبریک و پشتیبانی اهالی آذربایجان و مراتب حق شناسی قلبی مردم آذربایجان را به حضور نخست وزیر ابلاغ نمودند»^{۳۱}

حزب توده

حزب توده در راستای سیاستهای دولت اتحاد جماهیر شوروی از مخالفان فعال نهضت ملی نفت طی سالهای 1329 تا 1332 بود، حزب با طرح مداوم لغو قرارداد جنوب از ملی شدن نفت تحت برنامه دکتر مصدق حمایت نمی‌کرد. بلکه تلاش برای ملی کردن نفت را توطئه ای امپریالیستی علیه شوروی میدانست. ایرج اسکندری از سران حزب توده اینچنین توضیح میدهد:

«در طول نهضت ملی کردن نفت ما از مصدق که بی تردید نماینده منافع بورژوازی ملی بود، حمایت نکردیم ما معتقد بودیم که مصدق برای ملی کردن نفت ایران مبارزه می‌کند اما امپریالیستی‌های آمریکایی پشتیبان این جنبش اند که معنی اش این است که آن را رهبری می‌کنند. پس این نتیجه نادرست را گرفتیم که کمونستی‌ها نباید از نهضت ملی کردن نفت پشتیبانی کنند.»^{۳۲}

دکتر سید محمد میلانی از دانشجویان وقت دانشگاه تبریز در خصوص فعالیت‌های سازمان دانشجویی هوادار حزب توده در دانشگاه تبریز می‌گوید: «تبریز همیشه در مبارزات سربود و جلو بود

تأثیر می‌گذاشت و مردم گوش به زنگ بودند، متأسفانه حضور حزب توده به عنوان یک نیرو، معارض حرکت های ملی و اسلامی بود...»^{۳۳}

«دانشجویان هوادار حزب توده در میتینگ ها واجتماعات تبریز حضور فعال داشته و با پخش بیانیه علیه دکتر مصدق و آیت اله کاشانی اقدام به نوشتن شعارهای اهانت آمیز علیه مقامات دولت میکردند»^{۳۴}



روزنامه‌ها و نشریات تبریز در نهضت ملی نفت

روزنامه مهد آزادی با توصیه آیت اله کاشانی در مورخ 1329/5/12 از وزارت فرهنگ وقت مجوز انتشار دریافت و در تمام دوره نهضت ملی از آن حمایت کرد.

مشی این روزنامه «احترام به قوانین مقدس اسلام و تامین آزادی حقیقی»^{۳۵} بوده و مسائل و اخبار نهضت ملی کانون توجه او بود. به لحاظ عدم همسویی روزنامه با استاندار وقت آذربایجان - دکتر اقبال - محل چاپ روزنامه مورد هجوم عمال استاندار قرار می‌گردد، در پی این اقدام مسئول روزنامه جبهه ملی اعلام میدارد «دکتر اقبال بساط چاقو کشی راه انداخته و اینجا امنیت نیست»^{۳۶}

هنگامیکه دکتر مصدق در حال مدافعه حقوق ملت ایران در دیوان لاهه بود، مخالفین همچنان دکتر مصدق و دولت را مورد انتقاد و حمله قرار داده بودند روزنامه مهد آزادی مینویسد:

«بگذارید دکتر مصدق در مقابل دشمن از سفر پر خطر خویش برگردد.....به صلاح ملت ایران است که دکتر مصدق را در برابر دادگاه تقویت نمائیم و از شخصیت و محبوبیت بین المللی او به نفع مردم استفاده کنیم»^{۳۷}

روزنامه قیام ماد با مسؤلیت مرحوم دکتر اسماعیل رفیعیان یکی از رجال ملی آذربایجان طی سالهای 1330-1331 به چاپ رسید. اسماعیل رفیعیان فرزند شیخ محمد حسن رفیعیان از مخالفان فرقه دموکرات آذربایجان است که در جریان حاکمیت فرقه دموکرات آذربایجان در شهر مرند بدست عوامل شوروی به شهادت رسید قیام ماد با محتوای ضد استعماری در تقویت دولت دکتر مصدق از او بعنوان «تنها رئیس دولتی است که با پشتیبانی و تقویت طبقات مردم و احزاب در حساس ترین برهه تاریخ کشور، زمام امور را به دست گرفته است»^{۳۸} یاد می‌کند.

ابوالقاسم برادران مدیر روزنامه چکاو، مصدقی صرف بود^{۳۹}

روزنامه آذرمد با مسولیت اشرفی گنجه ای از طرفداران نهضت ملی بود بعد کودتای 28 مرداد از شدت ناراحتی سقوط دکتر مصدق سکتته کرد و مرد^{۴۰}

روزنامه فریاد با گرایش چپ در فاصله سالهای 1329 تا 1331 در نقش ارگان جمعیت هوداران صلح تبریز انتشار یافت.^{۴۱}

روزنامه اختر شمال و نعره شرق طی سالهای 1331 و 1332 منتشر که پس از کودتای 28 مرداد متوقف گردیدند.

روزنامه آذربادگان به صاحب امتیازی محمد دیهیم و سردبیری عبدالله زهتابی تا پیش از انقلاب اسلامی در تبریز منتشر میگردید این روز نامه از مدافعین سلطنت و طرفدار شاه در تبریز بود. روز نامه آذربادگان «همیشه سعی میکرد خود را شاه دوست و هوداردربار و حکومت پادشاهی نشان دهد»^{۴۲} با توجه به فضای نسبتاً آزاد در این دوره از میان روزنامه‌های منتشره در آذربایجان «12 عنوان از روزنامه‌ها از سیاست و برنامه دکتر مصدق به طور جدی هواداری می‌کنند.»^{۴۳}

بعد از کودتای 28 مرداد، سپهبد شاه بختی استاندار آذربایجان شرقی در نامه مورخ 1332/6/19 جهت اعمال محدودیت برای مطبوعات به نخست وزیر چنین مینویسد: «.....اکنون در شهر تبریز متجاوز از 45 امتیاز روزنامه داده شده که عده ای از آنها هفته ای یکی دوبار منتشر میگردید.مطالبی در روزنامه ها درج میگردد که بر خلاف شئون مملکت و شعائر ملی و مذهبی می‌باشد»^{۴۴}

اوضاع تبریز در کودتای 28 مرداد 1332

«طرفداران نهضت ملی و دکتر مصدق 17 مرداد در باغ گلستان با حضور گسترده‌ی مردم میتینگ برگزار کردند»^{۴۵}

دکتر میلانی از شاهدان عینی وقایع میگوید:

«شبش در تبریز تظاهرات بود، مردم در میدان ساعت شدیداً به نفع دکتر مصدق تظاهرات می‌کردند صبح که در تهران کودتا میشود، تقریباً نزدیک ظهر نیروهای ماجراجو و یک سری عناصر اوباش، چماق به دست به راه می‌افتند و در شهر شروع کردند در شهر تظاهرات کردن، شروع کردند شعار علیه مصدق «محو او لسون مصدق یعنی مرگ بر مصدق» شروع به تاراج جاهایی کردند که وابسته به او بود.»^{۴۶}

ناصر نجمی اوایل سال 1332 از طرف دکتر مصدق به سمت سرپرستی تبلیغات آذربایجان و رادیو تبریز منصوب و از طرفداران دکتر مصدق بود او وقایع 28 مرداد در تبریز را چنین بیان می‌کند:

«هنوز چند قدمی از خیابان شاهپور نگذشته بودم آشنایی با شتابزدگی گفت به اداره نرو، عده‌ی از طرفداران شاه و گروه‌های دیگر به آنجا (رادیو تبریز) حمله کرده اند و قصد اشغال رادیو تبریز را دارند... از کنارم کامیون‌های ارتشی پر از سرباز و هواخواهان شاه می‌گذشتند که شعار ضد مصدق می‌دادند. ...»^{۴۷}

حمید ملازاده در خاطرات خود مینویسد: «اولین کیوسک مطبوعاتی را در تبریز بنیاد نهادم و اوپاش در 28 مرداد 1332 آنرا به آتش کشیدند»^{۴۸}

حمید ملازاده مینویسد: «بازاریان هودار جبهه ملی به محض اطلاع از سقوط مصدق مغازه‌های خودشان را بستند و به خانه هایشان رفتند»^{۴۹}

مسعود حجازی در خاطرات خود مینویسد:

«در کودتای 28 مرداد عده‌ای به زندان افتادند از جمله من و اصغر پارسا.آیت اله میلانی، انگجی، شبستری.پرواند وکیل دادگستری از ارامنه تبریز و جمعی دیگر»^{۵۰}

نخست وزیر جدید (سرلشکر زاهدی) تحت فرمان شاه با کودتای 28 مرداد بر اوضاع مسلط و سپهبد شاه بختی را بعنوان استاندار آذربایجان به تبریز اعزام تا ضمن اجرای تدابیر سیاست‌های پس از کودتا از فعالیتهای مخالفین مراقبت نماید اودر ابلاغیه استاندار قید نمود «مواظب باشید تحریکاتی نکنند»^{۵۱}

نتیجه‌گیری

بمنظور رهایی فزون بر نیم قرن از استعمار انگلیس، جریان نهضت ملی شدن نفت بعنوان سرمایه بسیار مهم ملت ایران به رهبری دکتر محمد مصدق و همراهی موثر آیت اله کاشانی و سایر رجال ملی و مذهبی در واپسین سالهای دهه 30 آغاز گردید.

در این جریان ملی رجال و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی آذربایجان با پشتوانه گسترده مردمی در فضایی کاملاً پویا و هدفمند، همچون همیشه تاریخ دین خود را نسبت به سرزمین خود ایران، ادا نمودند. تبریز نهضت ملی را تکرار تجربه مشروطه میدانست، همچنان که بقای مشروطه بی مداخله آنان ممکن نبود، در نهضت ملی نیز آنان نقش تأثیر گذار خود را در روند این حرکت ملی مسؤالانه ایفا نمودند. اندک زمانی از فضای غمبار تبعات اشغال ایران و مصائب فرقه دمکرات آذربایجان

سپری نشده بود، این بار تبریز با نشاطی هوشمندانه منافع مردم ایران را در حمایت از نهضت ملی پشتیبانی نمود.

یادداشت‌ها

- 1- در این زمان پهنه جغرافیایی آذربایجان شامل آذربایجان شرقی، اردبیل و آذربایجان غربی می‌باشد.
- 2- منوچهر اقبال استاندار و سرتیپ شوکت رئیس شهربانی‌های آذربایجان و سایر مقامات استان.
- 3- روزنامه مهد آزادی، شماره 16، 1329/10/16.
- 4- نیکبخت، رحیم، جنبش دانشجویان تبریز به روایت اسناد و خاطرات، تهران: سوره مهر، 1381، ص 65.
- 5- همان، ص 68.
- 6- روزنامه مهد آزادی، شماره 17، 1329/10/10.
- 7- روزنامه مهد آزادی، شماره 51، 1330/10/18.
- 8- ملک قاسمی، منوچهر (از دانشجویان وقت دانشگاه تبریز) در مصاحبه با روزنامه مهد آزادی، شماره 3635، پنجشنبه 24 شهریور 1384، ص 4.
- 9- روزنامه مهد آزادی، 1329/9/9، شماره 13.
- 10- ترکمان، محمد، نقدی بر مصدق و نبرد قدرت، تهران: رسا، 1370، ص 49 و 50.
- 11- صفری، محمد علی، قلم و سیاست، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380، ص 72.
- 12- نیکبخت، رحیم؛ اسماعیل‌زاده، صمد، زندگی و مبارزات شهید آیت اله سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1380، ص 72.
- 13- روزنامه آذربادگان، شماره 114، 1330/4/26.
- 14- روزنامه مهد آزادی، شماره 39، 1330/5/30.
- 15- روزنامه مهد آزادی، شماره 40، 1330/6/7.
- 16- روزنامه مهد آزادی، شماره 42، 1330/6/27.
- 17- همان.
- 18- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی شمال غرب کشور، گزارش «از جلفا به شهربانی تبریز».
- 19- روزنامه مهد آزادی، شماره 52، 1330/10/23.
- 20- روزنامه مهد آزادی، شماره 95، 1331/9/30.

- 21- روزنامه مهد آزادی، شماره 74، 1331/5/4.
- 22- نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای 28 مرداد 1332، چاپ هشتم، بی‌جا، 1378، صص 302 و 301.
- 23- مذاکرات مجلس شورای ملی، نشست 24، 16 مرداد 1331.
- 24- ترکمان، محمد، قیام سی‌ام تیر به روایت اسناد، چاپ سوم، تهران: دهخدا، 1361، ص 127.
- 25- روزنامه مهد آزادی، شماره 75، 1331/5/11.
- 26- روزنامه قیام ماد، شماره 2، 1331/12/28.
- 27- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران: نشر مرکز، 1337، ص 243، (از صورت جلسات مذاکرات مجلس هفدهم 14 دی 1331).
- 28- همان، ص 243 (از صورت جلسات مذاکرات مجلس هفدهم 15 آذر 1331).
- 29- کوهستانی‌نژاد، مسعود، اختیارات و لوائح قانونی دکتر مصدق، تهران: نی، 1383، ص 233.
- 30- ترکمان، همان، 1370، ص 56.
- 31- روزنامه مهد آزادی، شماره 49، مورخ 1330/9/21، ص 1.
- 32- آبراهامیان، همان، ص 292.
- 33- نیکبخت، رحیم، مصاحبه با دکتر میلانی، تهران: آرشیو دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، 1380، جلسه 3، ص 161.
- 34- سند وزارت کشور (شهریانی کل کشور)، شماره 32-854/1، تاریخ 1331/5/21.
- 35- پیمان، سید اسماعیل، «مهد آزادی تبریز»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال 7، شماره 28، تابستان 1382، ص 7.
- 36- همان، ص 8.
- 37- روزنامه مهد آزادی، شماره 43، 1330/4/27.
- 38- روزنامه قیام ماد، شماره 2، 1331/12/28.
- 39- پیمان، همان، شماره 26، ص 9.
- 40- همان، ص 9.
- 41- روزنامه عصر آزادی، شماره 42، 1382/5/5.
- 42- مجیدی، موسی، تاریخچه و تحلیل روزنامه‌های آذربایجان، تهران: کتابخانه ملی، 1382، ص 27.
- 43- همان، ص 7.
- 44- اسنادی از مطبوعات ایران (1320-1340 ه.ش)، به کوشش احمد گل محمدی، مرکز اسناد نهاد ریاست جمهوری، 1378، صص 172-173.
- 45- روزنامه نیروی سوّم، شماره 231، 1332/5/19.
- 46- نیک بخت، همان، 1380، ص 161.

- 47- مکی، حسین، کودتای 28 مرداد و رویدادهای متعاقب آن، تهران: علمی، 1378، صص 276-279.
- 48- ملازاده، حمید، سیری در کوچه‌های خاطرات، چاپ دوم، تبریز: انتشارات ارک، 1391، ص 106.
- 49- همان، ص 113.
- 50- حجازی، مسعود، رویدادها و داوری، تهران: نیلوفر، 1357، ص 662.
- 51- عابدینی، ناهید، جام‌جم، ایام ویژه تاریخ معاصر، شماره 71، پنجشنبه 3 شهریور 1390، ص 5.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی